





دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز  
دانشکده علوم سیاسی

پایان نامه دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)

رشته:

**مطالعات منطقه‌ای**

گرایش:

**خاور میانه**

عنوان:

**مقایسه سیاست‌های ایران و ترکیه در قبال کردها از ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۰**

استاد راهنما:

**جناب آقای دکتر مجتبی مقصودی**

استاد مشاور:

**جناب آقای دکتر محمودی**

پژوهشگر:

**انوشه دربندی**

**زمستان ۱۳۹۰**

فصل اول: کلیات

۲	۱- طرح مسئله
۳	۲- اهمیت موضوع تحقیق و انگیزه انتخاب
۴	۳- هدف های تحقیق
۴	۴- پیشینه و ادبیات پژوهش
۶	۵- سؤالات و فرضیه
۶	۶- روش تحقیق
۷	۷- روش گرد آوری اطلاعات
۷	۸- متغیرها
۷	۹- تعریف مفاهیم و واژه های کلیدی
۸	۱۰- محدوده پژوهش
۸	۱۱- موانع پژوهش
۸	۱۲- نو آوری ها در تحقیق
۹	۱۳- سازماندهی تحقیق

فصل دوم: مطالعات نظری

۱۲	۱-۱-۲ دولت مدرن «دولت - ملت سازی»
۱۷	۲-۱-۲ ملیت و ناسیونالیسم
۱۷	۱-۲-۱ ملت
۲۲	۲-۲-۱-۲ ناسیونالیسم
۲۷	۲-۲ گونه شناسی دولت ها
۲۸	۱-۲-۲ دولت های پیشامدرن
۲۹	۲-۲-۲ دولت های مدرن
۳۰	۱-۲-۲-۲ دولت مطلقه

۳۱	.....	۲-۲-۲ دولت مشروطه
۳۲	.....	۳-۲-۲ دولت لیبرال
۳۴	.....	۴-۲-۲ دولت ارشادی
۳۴	.....	۵-۲-۲ دولت رفاهی
۳۴	.....	۶-۲-۲ دولت نئولیبرال
۳۶	.....	۳-۲ قوم، قومیت و ناسیونالیسم قومی
۳۶	.....	۱-۳-۲ قوم
۳۹	.....	۲-۳-۲ قومیت
۴۵	.....	۳-۳-۲ ناسیونالیسم قومی
۴۸	.....	۴-۲ بررسی سیاستگذاری قومی

## فصل سوم

۶۲	.....	۱-۱-۳ دولت مدرن در ایران
۶۲	.....	۱-۱-۱-۳ دولت پیشامدرن در ایران
۶۳	.....	۲-۱-۱-۳ دولت در عصر مشروطه
۶۵	.....	۳-۱-۱-۳ دولت در دوره رضا شاه
۶۷	.....	۴-۱-۱-۳ دولت در سلطنت محمد رضا شاه
۷۱	.....	۲-۱-۳ ناسیونالیسم در ایران
۷۲	.....	۱-۲-۱-۳ ناسیونالیسم و ملت در دوره رضا شاه
۷۴	.....	۲-۲-۱-۳ ناسیونالیسم و ملت در دوره محمد رضا شاه
۷۵	.....	۳-۱-۳ اصول و مبانی سیاست قومی در ایران
۷۷	.....	۱-۳-۱-۳ قومیت ها و شکل گیری دولت مدرن در ایران
۷۸	.....	۲-۳-۱-۳ مبانی سیاست قومی رضا شاه
۸۲	.....	۳-۳-۱-۳ سیاست های قومی محمد رضا شاه
۸۷	.....	۴-۱-۳ فعالیت سیاسی کردها در ایران و سیاست های قومی دولت در قبال اکراد تا ۱۹۸۰
۸۸	.....	۱-۴-۱-۳ کردها در دولت پیشامدرن
۸۹	.....	۲-۴-۱-۳ کردها در دوران رضا شاه

- ۳-۴-۱-۳ کردها در دولت محمد رضا شاه..... ۹۲
- ۳-۲-۱-۳ دولت مدرن در ترکیه..... ۹۹
- ۳-۱-۲-۳ دولت در زمان عثمانی..... ۹۹
- ۳-۲-۱-۳ تشکیل جمهوری ترکیه..... ۱۰۱
- ۳-۱-۲-۳ دولت در دوران آتاتورک و جانشینانش تا جنگ جهانی دوم..... ۱۰۲
- ۳-۱-۲-۴ دولت مدرن پس از جنگ جهانی دوم تا پایان دهه ۱۹۶۰..... ۱۰۶
- ۳-۲-۲-۳ ناسیونالیسم و ملت در ترکیه..... ۱۰۸
- ۳-۲-۲-۱ ناسیونالیسم در جمهوری ترکیه..... ۱۱۰
- ۳-۲-۲-۲ ناسیونالیسم و ملت پس از جنگ جهانی دوم تا فروپاشی شوروی..... ۱۱۲
- ۳-۲-۲-۳ ناسیونالیسم پس از جنگ سرد..... ۱۱۲
- ۳-۲-۳ اصول و مبانی سیاست قومی در ترکیه..... ۱۱۳
- ۳-۲-۱-۳ تشکیل جمهوری ترکیه تا جنگ جهانی دوم: سال های سرکوب و تقابل قومی..... ۱۱۵
- ۳-۲-۲-۳ سیاست های قومی دولت ترکیه از جنگ جهانی دوم تا کودتای ۱۹۸۰..... ۱۱۸
- ۳-۲-۴ فعالیت سیاسی کردهای ترکیه و سیاست قومی در قبال اکراد تا ۱۹۸۰..... ۱۲۲
- ۳-۲-۴-۱ سیاست قومی امپراتوری عثمانی در قبال کردها..... ۱۲۳
- ۳-۲-۴-۲ کردها در تشکیل جمهوری ترکیه تا جنگ دوم جهانی..... ۱۲۵
- ۳-۲-۴-۳ سیاست قومی ترکیه در قبال کردها پس از جنگ دوم تا ۱۹۸۰..... ۱۳۱

## فصل چهارم

- ۴-۱-۱ سیاست های قومی جمهوری اسلامی ایران در قبال کردها..... ۱۳۴
- ۴-۱-۱-۱ دولت مدرن در جمهوری اسلامی ایران..... ۱۳۶
- ۴-۱-۲ ناسیونالیسم در جمهوری اسلامی ایران..... ۱۴۰
- ۴-۱-۳ اقوام در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران..... ۱۴۱
- ۴-۱-۴ سیاست قومی جمهوری اسلامی در قبال کردها تا ۲۰۱۰..... ۱۴۴
- ۴-۱-۴-۱ سیاست قومی دولت در سالهای اولیه انقلاب اسلامی و در طول جنگ تحمیلی..... ۱۴۵
- ۴-۱-۴-۲ کردها در دوره سازندگی..... ۱۵۷
- ۴-۱-۴-۳ دوران اصلاحات..... ۱۵۸

- ۱۵۹.....۱-۳-۴-۱-۴ مشارکت سیاسی کردستان در دوره اصلاحات.....
- ۱۵۹.....۲-۳-۴-۱-۴ تعداد مطبوعات و انجمن های کردی.....
- ۳-۳-۴-۱-۴ میزان شورش ها و نا امنی های منتهی به رویارویی نظامی از سوی گروه های  
غیر قانونی مسلح کرد.....
- ۱۶۲.....
- ۱۶۶.....۴-۴-۱-۴ دولت عدالت محور.....
- ۱۷۰.....۲-۴ سیاست های قومی ترکیه در قبال کردها تا ۲۰۱۰.....
- ۱۷۰.....۱-۲-۴ تکوین دولت مدرن در ترکیه در سالهای ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۰.....
- ۱۷۱.....۱-۱-۲-۴ دولت مدرن از ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰.....
- ۱۷۵.....۲-۱-۲-۴ دولت مدرن در دوران عدالت و توسعه.....
- ۱۸۰.....۲-۲-۴ سیاست های قومی در قبال کردها.....
- ۱۸۰.....۱-۲-۲-۴ کردهای ترکیه در دولت در سالهای ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰.....
- ۱۸۱.....۱-۱-۲-۲-۴ حزب کارگران کردستان PKK.....
- ۱۸۹.....۲-۱-۲-۲-۴ سیاست های قومی اتخاذی دولت در قبال کردها.....
- ۱۹۵.....۲-۲-۲-۴ کردها در دولت عدالت و توسعه.....
- ۱۹۵.....۱-۲-۲-۲-۴ رویکرد های مختلف نسبت به مسئله کرد.....
- ۱۹۶.....۲-۲-۲-۲-۴ جامعه مدنی.....
- ۱۹۷.....۳-۲-۲-۲-۴ سیاست حزب عدالت و توسعه در قبال کردها.....
- ۲۰۰.....۴-۲-۲-۲-۴ انتقاد به دولت اردوغان در مورد مسئله کرد.....
- ۲۰۱.....۳-۴ مقایسه سیاست های قومی ترکیه و ایران.....
- ۲۰۱.....۱-۳-۴ تفاوت ها.....
- ۲۰۳.....۲-۳-۴ شباهت ها.....
- ۲۰۴.....جمع بندی مباحث.....
- ۲۱۰.....نتیجه گیری.....

## چکیده

عنوان و موضوع این رساله، سیاست های قومی و مساله کردها در ایران و ترکیه در فاصله سالهای ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۰ می باشد و تلاش دارد روند شکل گیری دولت مدرن در دو کشور را به عنوان عامل مهمی در سیاسی شدن مسئله و مطرح شدن سیاست قومی از بعد داخلی بررسی می کند.

با شکل گیری دولت مدرن در اروپا پس از قرار داد وستفاليا در ۱۶۴۸ و تکوین دولت ملت با وقوع انقلاب فرانسه و تبدیل شدن ناسیونالیسم به عنوان گفتمان مسلط بین المللی در قرن ۱۹ و ۲۰، شاهد سرایت این تفکرات به شرق و به ویژه خاورمیانه می باشیم. ترکیه و ایران به عنوان اولین کشور های غیر اروپایی نیز طی سده بیست اقدام به دولت سازی و ملت سازی مدرن کردند. در این دو کشور که به لحاظ تنوع جمعیتی از کشور های متکثر و چند قومی محسوب می شوند، الگوی دولت - ملت سازی، همانند سازی فرهنگی با تأکید بر ناسیونالیسم افراطی دولت ملاک عمل قرار گرفت. در نتیجه با شکل گیری و تکوین دولت مدرن در دو کشور ایران و ترکیه شاهد بروز حرکت های هویت خواهانه اقوام که بنا بر الگوی همانند سازی نادیده انگاشته شده بودند، نیز هستیم. این هویت خواهی ها و تحرکات سیاسی اقوام به ویژه کرد ها در دو کشور موجب توجه کشور های مذکور به مدیریت قومی و در نتیجه تلاش برای اتخاذ سیاست قومی گردید. در ترکیه تا سال ۲۰۰۰ و در ایران تا سال ۱۹۷۹ ( پیروزی انقلاب اسلامی ) الگو و سیاست قومی غالب در قبال کردها، همانند سازی اجباری بوده است اما با شروع قرن جدید سیاست های قومی ایران و ترکیه نیز به سمت همگرایی با اقوام و چند فرهنگ گرایی سوق داده شده اند.

**فصل اول:**

**طرح تحقیق**



## ۱- طرح مسأله:

هویت خواهی های قومی - زبانی در میان کردهای ایران و ترکیه را باید عکس العملی در برابر تشکیل دولت مدرن در اوایل قرن ۲۰ در این دو کشور دانست. در جامعه اروپایی فرآیند مدرن سازی با رشد و گسترش تدریجی خرد نقاد، که لازمه تحقق تدریجی خودمختاری فردی بود، و پیدایش جامعه مدنی همراه بود. اما در ترکیه عثمانی و ایران وضع برعکس بود. در این کشورها مدرن سازی مورد استقبال روشنفکرانی قرار گرفت که دیوان سالاران و افسران ارتش محسوب می شدند و منافع خود را با منافع حکومت یکسان تلقی می کردند. (اتابکی، ۱۳۸۵: ۸)

جمعیت ایران و عثمانی ترکیب متنوعی از گروه های قومی بود. طی دوره عثمانی و اواخر قاجاریه که دولت مرکزی در ایران و ترکیه به شیوه پاتریمونیا و امپراتوری اداره می شد و دخالت چندانی در امور داخلی ایالات و ولایات نداشت، اقوام ساکن در این دو کشور نیز مستقل از نفوذ مستقیم دولت، همزیستی مسالمت آمیزی با دولت مرکزی داشتند. هویت حاکم میان این اقوام، هویت سنتی و عشیره ای بود و عدم حضور و دخالت دولت مرکزی در واقع فکر خودمختاری و حتی هویتی بر مبنای اشتراک قومی را غیر محتمل کرده بود. هرچند در اواخر قرن ۱۹ شاهد برخی تحركات قومی در دو کشور به ویژه از ناحیه کردها هستیم، اما این تحركات بیشتر رنگ و بوی قبیله ای دارد تا سیاسی و هویت خواهانه.

با شکل گیری و آغاز دولت مدرن در ایران و جمهوری جدید ترکیه و تلاش دو کشور برای تکوین دولت - ملت سازی، رهبران این مدرنیزاسیون از بالا، اقوام و تکرر قومی موجود در کشورشان

را مانع اصلی رسیدن به مدرنیته می دانستند در نتیجه در پی حذف و ادغام این اقوام در «تجدد آمرانه» جدید از طریق همانند سازی اجباری و با روش های مختلف برآمدند.

در خصوص چرایی سیاسی شدن قومیت کرد در ایران و ترکیه نظرات گوناگونی ارائه شده است: احمد اشرف، ایجاد شکاف قومی و سیاسی شدن قومی در مناطق کردنشین را از پیامدهای استقرار دولت مدرن ملی می داند که بی تأثیر در فعال شدن شکاف های قومی و سیاسی شدن تحرکات کردها در طول دولت های معاصر نبوده است. (اشرف، ۱۳۸۳: ۱۶۳-۱۶۵) دیگر پژوهشگران و متفکران حیطه مطالعات قومی چون مجتبی مقصودی، ایوبی و گونش آی تا، محرومیت های اقتصادی و سیاستهای نوگرایانه غلط دولت های مدرن اولیه (آتاتورک و رضا شاه) را عامل سیاسی شدن و بحرانی شدن مسائل اقوام می دانند. حمید احمدی و کسانی چون رابرت اولسن و دیوید مک داوول، در کنار تأثیر دولت مدرن و شکاف اقتصادی، نقش نخبگان سیاسی و نظام بین الملل را نیز در سیاسی شدن کردها مورد بررسی قرار داده اند. به هر ترتیب آنچه میان تمامی تحلیل های مذکور مشترک است، عامل دولت مدرن و سیاست های قومی اتخاذی آن در قبال اقوام به ویژه کردها در این دو کشور است.

رابطه میان دولت و قوم گرایی یا کشمکش های قومی در قبال سیاست های قومی دولت، از عمده ترین مباحث مطالعات قومی در چند دهه اخیر بوده است. (احمدی، ۱۳۸۶: ۳۶۵) گروه های قومی امروزه به عنوان یکی از بازیگران فرا ملی اهمیت فزاینده ای در سیاست های داخلی و بین المللی پیدا کرده اند. نگاه و تمرکز این پژوهش بر سیاست های قومی داخلی دولت ایران و جمهوری ترکیه در قبال کردها و بررسی این سیاستها و بیان تفاوتها و شباهت های سیاست های قومی دو کشور در قبال مسئله کردها در بُعد داخلی است.

## ۲- اهمیت موضوع تحقیق و انگیزه انتخاب:

مسئله کردها در خاورمیانه از پُرتنش ترین و مهم ترین مسائل منطقه ای و داخلی در حوزه قومیتی محسوب می شود. ایران و ترکیه به دلیل درگیری با این مسئله (به ویژه ترکیه) همواره در پی حل آن

بوده اند. در همسایگی واقع شدن دو کشور و عمده مرز مشترک آنها با یکدیگر در مناطق کردنشین دو کشور (مرز جنوب شرق ترکیه با شمال غرب ایران) بررسی سیاست های قومی دولت های دو کشور در قبال کردها را برجسته تر ساخته است. با توجه به اینکه روند شکل گیری دولت مدرن در ایران و ترکیه به یک مقطع تاریخی مشترک باز می گردد و ایران تا حد زیادی در دوره اول تکوین دولت مدرن، از سیاست های دولت سازی و قومیتی ترکیه الگو برداری کرده است، موجب فراز و فرودهایی در سیاست های داخلی قومی دو کشور در مقابل کردها شده است.

### ۳- اهداف تحقیق:

از اهدافی که می توان برای انجام این تحقیق در نظر گرفت: شناخت نقاط قوت و ضعف سیاست های دو کشور در قبال مسائل قومی و پیشنهاد الگوی مناسب قومی برای اداره جامعه؛ ارائه سیاست قومی چند فرهنگ گرایانه و مبتنی بر حقوق شهروندی جدید از سوی دولت های ایران و ترکیه برای حل مسئله کردها در کشورهاشان است. بیان چرخش های سیاست قومی این دو کشور در قبال کردها از اهداف دیگر این طرح است و هدف نهایی بررسی این سیاست ها و بیان شباهت ها و تفاوت های آنها است.

### ۴- پیشینه و ادبیات پژوهش:

در خصوص مسائل قومی در ایران، آثار متنوع و معتبری از کتاب و مقاله به رشته تحریر درآمده؛ در این خصوص می توان به آثاری چون موارد زیر اشاره کرد:

۴-۱ کتاب حمید احمدی تحت عنوان «قومیت و قوم گرایی در ایران» که با رویکردی تاریخی مسائل قومی را مد نظر قرار داده و با بررسی ریشه های شکل گیری و تعاریف قومیت به این نتیجه می رسد که آنچه در ایران شاهدیم طوایف و اقوام هستند و نه اقوام. وی در نهایت یک چارچوب نظری مبنی بر ترکیب سه متغیر: نخبگان قومی، دولت مدرن و نیروهای بین المللی، به عنوان عوامل سیاسی شدن هویت های قومی و محلی ارائه می دهد.

۲-۴ کتاب «تحولات قومی در ایران: علل و زمینه‌ها» اثر مجتبی مقصدی. نویسنده در این اثر با دیدی واقع‌گرایانه به بررسی علل و عوامل مسائل قومی در ایران پرداخته است و با تشریح نظرات بسیج قومی و بررسی رویکرد نوسازی نسبت به مسائل قومی به تحلیل بحران‌های قومی تاریخ معاصر ایران، از جمله بحران‌های کردها در دهه ۱۳۲۰ (۱۳۴۰) و سال‌های اولیه پس از انقلاب می‌پردازد.

۳-۴ کتاب دیگری که در زمینه مسائل قومی و به ویژه مدیریت و سیاستگذاری قومی - هویتی تدوین شده، کتاب «مدیریت منازعات قومی» نوشته رضا صالحی امیری است. وی با بررسی میان دو دوره پهلوی و جمهوری اسلامی، اجرایی شدن قانون اساسی جمهوری اسلامی را زمینه‌ساز رفع تبعیضات قومی می‌داند.

در خصوص قوم‌شناسی در ترکیه ما با محدودیت گسترده مواجه ایم اما به منابع مهمی در این خصوص میتوان اشاره داشت:

۴-۴ کتاب «آخرین مستعمره: بحران کردستان ترکیه از آغاز تا کنون» نوشته بئوار الیما؛ نویسنده در این اثر به بررسی کردهای ترکیه و تا حدودی نقش و ارتباط ایران با این کردها تا سال ۲۰۰۰ و پس از دستگیری عبدالله اوجلان می‌پردازد ولی در حد محدودی به سیاست‌های قومی دولت ترکیه بر محور کردها می‌پردازد.

۵-۴ نادر انتصار نیز در کتاب «ملی‌گرایی قومی کردهای خاورمیانه و معضلات کردهای ترکیه»، ضمن توجه به ناسیونالیسم قومی در کردستان ایران، ترکیه و عراق، اشاراتی نیز به تأثیرات این مسئله بر سیاست‌های قومی دولت ترکیه دارد.

۶-۴ کتاب مایکل. م. گونتر تحت عنوان «کردها و آینده ترکیه» ابعاد مسئله کرد و اسلام‌گرایی در ترکیه به ویژه طی دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ را مورد بررسی قرار می‌دهد. نکته ممتاز این اثر، بیان نقش بازیگران منطقه‌ای چون ایران و عراق و فرا منطقه‌ای چون اروپا و آمریکا در تبدیل مسئله کرد در ترکیه به مسئله‌ای مهم و حتی بین‌المللی است.

در کنار آثار مذکور، کتاب های تاریخی و مقالات علمی - پژوهشی بسیاری در بررسی مسئله کرد در ایران و ترکیه به لاتین و فارسی و ترکی نیز کمک شایانی به تدوین این پژوهش کردند.

## ۵- سؤالات و فرضیه:

### ۱-۵ سؤال اصلی:

شبهات ها و تفاوت های سیاست های قومی ایران و ترکیه در قبال کردها از دهه ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۰ چه بوده است؟

### ۲-۵ سؤالات فرعی:

- ۱) روند شکل گیری و تدوین دولت مدرن و ناسیونالیسم در ایران و ترکیه چگونه بوده است؟
- ۲) تاریخچه سیاست های قومی ایران و ترکیه در قبال کردها چه روندی داشته است؟
- ۳) تفاوت جامعه شناختی روابط دولت و گروه های کرد در ایران و ترکیه بر چه اساسی قابل ارزیابی است؟
- ۴) سیاست های قومی دو کشور با چه دیدگاهها و نظریاتی قابل تبیین و ارزیابی است؟

### ۳-۵ فرضیه:

وجه غالب سیاست های قومی ایران و ترکیه در قبال کردها که تا دهه ۱۹۸۰ و اواسط ۱۹۹۰ مبتنی بر انکار هویتی و همانندسازی بوده است، در ایران پس از انقلاب اسلامی و به ویژه خاتمه شرایط اضطراری ناشی از جنگ تحمیلی، و در ترکیه از سال ۲۰۰۰ به بعد، تعدیل و در چارچوب «چند فرهنگ گرابی»، مباحث حقوق بشری و آزادی های سیاسی و مطبوعاتی در ارتباط با اقلیت کرد برجسته شده است.

## ۶- روش تحقیق:

این پژوهش بر اساس روش جامعه شناسی تاریخی و مبتنی بر بهره گیری از منابع کتابخانه ای انجام گرفته و سعی کرده با تأکید بر مسائل و موضوعات مطرح در زمان حال با توجه به گذشته تاریخی این موضوعات در پی پاسخگویی برآید.

## ۷- روش گردآوری اطلاعات:

بهره از روش کتابخانه ای - اسنادی و استفاده از مجلات علمی - پژوهشی و در مواردی منابع

مجازی و الکترونیک

## ۸- متغیرها:

۱-۸ متغیر مستقل: کردهای ساکن در ایران و ترکیه

۲-۸ متغیر وابسته: سیاست های قومی دولت ایران و ترکیه

## ۹- تعریف مفاهیم و واژه های کلیدی:

۱-۹ دولت مدرن: دولت مدرن یا دولت - ملت از نظر بسیاری از جامعه شناسان معاصر پدیده ای

کاملاً جدید محسوب می شود که مقدمات نظری آن در نیمه دوم قرون وسطی در حوزه فرهنگی

مذهب کاتولیک فراهم آمد و زمینه های عینی آن در دو قرن پایانی قرون وسطی در پرتو استراتژی

متضاد بازیگران سیاسی شکل گرفت. اولین جلوه های آن در قالب دولت های مطلقه از قرن ۱۶ به

آرامی بر خرابه های نظام فئودالی سر زد، بالید و قدرت گرفت و از اواخر قرن ۱۹ به تدریج در همه

نقاط جهان، جای اشکال دیگر نظام های سیاسی را گرفت. (نقیب زاده، ۱۳۸۶: ۱۶۵) مهم ترین

شاخص های این دولت عبارتند از: سرزمین، حاکمیت، مردم و حکومت

۲-۹ قومیت: این اصطلاح به خودآگاهی سیاسی گروه های مختلف زبانی، مذهبی و نژادی در یک

سرزمین، نسبت به هویت خود و تفاوت قائل شدن میان خود و سایر گروه های ساکن در آن سرزمین

اشاره دارد.

۳-۹ ناسیونالیسم قومی: گونه ای معماری سیاسی - فرهنگی بر اساس قومیت محسوب می شود

که با هدف ایجاد دولتی متحد و یکپارچه نضج و قوام می یابد. این گونه از ناسیونالیسم به لحاظ

مکانی، منشأ مشترک گروه قومی خاصی را تبیین می کند، اغلب آنها را به سرزمین خاصی مرتبط می

سازد که به باور این گروه، مقدس می باشد. (مقصودی، ۱۳۸۰: ۵۲)

۴-۹ سیاست های قومی: مجموعه استراتژی های تنظیم و تغییر روابط قومی در سه سطح درون قومی، میان قومی و میان دولت و اقوام است. در واقع سیاست های قومی عبارتند از نوع استراتژی هایی که از طریق آنها می توان تعاملات و روابط میان اقوام و دولت و مجموعه حاکمیت از یک سو و روابط میان اقوام با یکدیگر و با بدنه جامعه ملی از سوی دیگر را تنظیم و تحت قاعده و نظم درآورد و حتی متناسب و در راستای سیاست های کلان کشور آنها را تغییر داد. (صالحی امیری، ۱۳۸۸: ۳۱۳)

۵-۹ کردها: مردمان ساکن سرزمین کردستان واقع در جنوب شرق ترکیه، شمال و شرق عراق، غرب و شمال غرب ایران، شرق و شمال سوریه و جنوب ارمنستان هستند. کردها اقلیت بزرگ قومی این دولت ها محسوب شده و بزرگترین اقلیت قومی - زبانی بی سرزمین عنوان می شوند.

#### ۱۰- محدوده پژوهش:

۱-۱۰ محدوده مکانی: کردستان ایران (شمال غرب و غرب کشور) و کردستان ترکیه (جنوب شرق و شرق ترکیه)

۲-۱۰ محدوده زمانی: دهه ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۰ م (۱۳۵۷-۱۳۹۰)

۳-۱۰ محدوده موضوعی: سیاستگذاری داخلی دو کشور ایران و ترکیه با تمرکز بر سیاست های قومی در قبال کردها.

#### ۱۱- موانع پژوهش:

عدم دسترسی به منابع دست اول و آمارها و ارقام رشد اقتصادی و جمعیتی در مناطق کردنشین ایران و ترکیه به ویژه محدودیت در منابع در خصوص کردستان ترکیه.

#### ۱۲- نوآوری پژوهش:

بیان سیاست های قومی ترکیه در قبال کردها با نگاهی واقع بینانه و مقایسه سیاستهای قومی ترکیه و ایران در سه دهه اخیر.

#### ۱۳- سازمان دهی تحقیق:

پژوهش حاضر در چهار فصل سازماندهی شده است. پس از مقدمه، در فصل اول به بیان طرح تحقیق و کلیات موضوع شامل سؤالات مطرح شده، فرضیه، روش پژوهش و پیشینه تحقیق و اهداف پیگیری شده در آن پرداخته شده. فصل دوم مبتنی بر مطالعات نظری تحقیق و ارائه تعادلی از قوم، دولت مدرن، ناسیونالیسم. سیاست های قومی برای رسیدن به چارچوبی مناسب برای بررسی موضوع می باشد. در فصل سوم به بررسی تاریخی مسئله کردها و روند سیاسی شدن آنها در دولت های مدرن ایران و ترکیه از یک سو و بیان تاریخچه سیاست های قومی ایران و ترکیه از سوی دیگر می پردازد. فصل پایانی نیز در برگزیده سیاست های قومی ایران و ترکیه در فاصله سالهای ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۰ در قبال مسئله کرد در دو کشور است و تلاش دارد با این بررسی، شباهت ها و تفاوت های سیاست های قومی را در ایران و ترکیه بیان دارد. در پایان بخش پایانی نیز به جمع بندی و نتیجه گیری اختصاص دارد.



**فصل دوم:**

**مطالعات نظری**

در این فصل تلاش شده ادبیات نظری بحث، مشخص شود. ابتدا دولت مدرن و روند شکل‌گیری و تدوین و سپس مفاهیم مهم و مرتبط با دولت مدرن مطرح و بررسی می‌شوند و سعی می‌شود جایگاه و ارتباط آنها با بحث دولت - ملت سازی مورد بررسی قرار گیرد. این مفاهیم که تحت عنوان ناسیونالیسم، ملت، قومیت و ناسیونالیسم قومی در بخشهای متفاوت مورد بررسی قرار می‌گیرند، در واقع روند تکوین جامعه مدرن و مدنی را مطرح می‌سازند. علاوه بر این مفاهیم ما به بررسی گونه‌شناسی دولتها و سپس سیاست‌های قومی دولتها نیز خواهیم پرداخت و جهت‌گیریهای سیاسی دولتها را در خصوص تنوع قومی و تکثر قومی درون خود بیان خواهیم کرد .

پس از رنسانس جهان با تحولات عظیمی در شیوه حکومت‌داری و همچنین با پدیده‌های جدیدی چون دولت ملی، ناسیونالیسم، ملت و قومیت در نظام سرزمینی مواجه شد؛ این امر که در نتیجه نظم وستفالیای به وجود آمد، در واقع دو پایه اصلی را در نظم بین‌المللی بنا نهاد: حاکمیت ملی و انحصار بازیگری دولتها. با شروع قرن ۱۸ شاهد پایان یافتن دوره اولیه شکل‌گیری دولتهای مدرن یعنی مرحله دولتهای مطلقه و یا به عبارتی سلطانی هستیم. در این زمان است که با انقلاب کبیر ۱۷۸۹ فرانسه، مفهوم «ملت» مطرح شد. مفهوم ملت به خودی خود تحولات عمده‌ای در سیاست بین‌الملل و در نظام‌ها و دولتهای مدرن ایجاد کرد. در حقیقت ملت‌سازی به مثابه ایجاد یک فرهنگ مشترک ملی در سطح کشور، به طوریکه فرهنگ‌های فرعی بومی نیز با حفظ خصوصیات فرهنگی خود از فرهنگ گسترده کشور واحد پیروی کنند، مطرح شد. این مفهوم زمینه‌ساز حرکات ناسیونالیستی قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ گردید .

هر چند پس از جنگ جهانی و تکوین دولتهای مدرن همزمان در سطح جهان دو پدیده متضاد را شاهد بودیم - از یک سو تعمیق فرآیند جهانی شدن و از سوی دیگر هویت خواهی های قومی و بروز اختلافات قومی - اما علیرغم پیش بینی های متفکران در خصوص غلبه جهانی شدن در ۱۹۹۰ و دهه اول قرن بیست و یکم؛ نوسازی کشورها در سطح گسترده نه تنها کمکی به زوال حرکات قومی نکرد بلکه این احساسات و تحرکات قومی را نیز تشدید و تحریک کرد .

در بحث ناسیونالیسم کسانی که آشنایی اندکی با حوادث پس از سقوط دیوار برلین (۱۹۸۹) دارند، در خصوص اهمیت کنونی ناسیونالیسم و ملی گرایی، حتی در دنیای معاصر، ذره ای تردید نخواهند کرد؛ زیرا شاهد بوده ایم که تنها تعداد معدودی از بحران های سیاسی دهه های معاصر منشأیی جز شور و هیجانات قومی و آرمانهای ناسیونالیستی داشته اند. در حال حاضر اهمیت فرهنگی ناسیونالیسم و مباحث ملی و قومی بر اهمیت سیاسی آن غالب شده و این خود بیانگر حضور گسترده باورهای قومی در کشورهای به اصطلاح ملی جهان است .

## ۱-۱-۲ دولت مدرن «دولت - ملت سازی»

مفهوم دولت مدرن، به واسطه گستردگی حوزه بحث و موضوعات متعددی که در ذیل آن بحث می شود از دیدگاه های مختلفی قابل بحث است. بر این مبنا نگاهی مختصر بر روند شکل گیری و تکوین دولت مدرن در قالب دولت - ملت پس از شکل گیری آن در قرن شانزدهم میلادی خواهیم انداخت. دولت های مدرن از نظام های فئودالی و مطلقه کهن سربر آوردند. در واقع باید بیان داشت که فاصله بین سالهای ۱۶۴۸ تا ۱۸۱۵ دوره تکوین دولت های مدرن محسوب می شود. بر این اساس که وستفالیبا با بر هم زدن نظم امپراتوری های بزرگ اروپا، به عنوان سمبل و شروع حرکت دولت های مدرن یا به عبارتی بهتر دولت های ملی محسوب می شود. شاید مهم ترین عامل زایش دولت مدرن را بتوان جنگهای سی ساله مذهبی دانست. در واقع زمینه فکری دولت مدرن از دعوای دین و دولت در پایان قرون وسطی فراهم شده است. (نقیب زاده، ۱۳۸۳: ۱۳) .

تحول عمده ای که با شکل گیری دولت مدرن پدید آمد حرکت از ساختار قدرت پراکنده و متکثر به سمت مرکزیت واحد قدرت بود که توانست نظم اجتماعی واحدی را پدید آورد؛ در کنار این تمرکز قدرت، ویژگی سرزمینی بودن دولت وجه ممیزه دولت مدرن از صورتبندی های سیاسی پیشامدرن دولت یا به عبارت بهتر از امپراتوری ها بود .

در فاصله قرارداد وستفاليا تا کنگره وین ۱۸۱۵ و نظم جدید جهانی، دولت های ملی و مدرن نوپا عمدتاً در قالب دولت های سلطانی یا به عبارتی دولت های مطلقه، اقدام به حذف قدرت های محلی و نظام های فئودالی و در نتیجه تمرکز قدرت و ایجاد یک دستگاه اداری متمرکز برای اجرای قدرت خود در سراسر حیطه سرزمینی کردند، به طوریکه "دیوید هلد" دوران لویی چهاردهم و پانزدهم را اوج تمرکزگرایی مطلقه می داند .

از نظر عینی دو تحول در بنیان های نظری و ساختار اجتماعی دو قرن آخر دوره قرون وسطی، به شکل گیری دولت مطلقه به عنوان اولین مرحله ساختار دولت مدرن کمک کرد: در بعد نظری، جدایی حوزه های دینی و مذهب از یکدیگر در قرن سیزدهم؛ و در زمینه اجتماعی، همگن سازی پیرامون با مرکز و تسلط کامل شاه بر ساخت سرزمینی .

از بعد جامعه شناسی تاریخی، دولت مدرن پدیده ای کاملاً جدید است که مقدمات نظری و عینی آن به دوران حکومت های مطلقه می رسد. برخی ها نخستین کاربرد دولت مدرن را به متفکران قرن ۱۶ نسبت داده اند اما در عمل از ۱۶۴۸ است که دولت مدرن رسماً به عنوان یک واحد سیاسی به رسمیت شناخته می شود .

به عقیده "والراشتاین" ریشه های دولت مدرن را باید در دولت - ملت و تغییرات عمیق اقتصادی اواسط قرن ۱۵ تا اواخر قرن ۱۷ جستجو کرد. در این میان "رکان" نیز معتقد است برای توسعه سیاسی و رسیدن به دولت - ملت سه مرحله از توسعه باید صورت گیرد که در این مراحل سه متغیر اقتصادی، سرزمینی و فرهنگی با هم عمل کرده و مراحل را فراهم می کنند. بر این مبنا وی تراکم